

## به یاد علی اکبر شهابی

قریب یک سال پیش، علی اکبر شهابی در روز یازدهم آذرماه ۱۳۶۷ در کالیفرنیا دعوت حق را لبیک گفت و دور از سرزمین آباء و اجدادیش، خراسان، بخاک سپرده شد. آشنایی من با این مرد فاضل متواضع دوست داشتنی به حدود ۳۵ سال پیش می‌رسد. به روزی که وی در سن پنجاه سالگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از رساله دکتری خود درباره نظامی گنجوی دفاع می‌کرد. بعدها نیز چند سال در دانشگاه فردوسی، مشهد از افتخار همکاری وی در اداره دانشکده الهیات آن دانشگاه بهره‌مند بودم، و در سالهای اخیر در مدتی که در امریکا مدیریت مجله ایران‌نامه را به عهده داشتم، در دو سه سفر کوتاه مدتی که وی بمنظور درمان به کالیفرنیا کرد، بار دیگر با تلفن و نامه ارتباط بین ما برقرار شد و به تقاضای من دو سه مقاله برای چاپ در آن مجله نوشت. در آذرماه سال پیش نیز در انتظار دریافت مقاله دیگری از وی بودم که با تأسف بسیار از درگذشت او باخبر شدم. خود من نیز دو سه ماهی پس از آن تاریخ ایران‌نامه را رها ساختم و در صدد نشر مجله ایران شناسی برآمدم، نظم کارها اندکی بر هم خورد و بدین جهت نگارش این مختصر درباره یکی از همکاران دانشمند آن مجله تا به امروز به تعویق افتاده است.

علی اکبر شهابی در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در شهر تربت، خراسان در خانواده‌ای متدین و پرهیزگار و اهل عرفان و شعر چشم به جهان گشود. پدرش حاج شیخ عبدالسلام تربتی مردی عارف و شاعر بود و در شعر «شهاب» تخلص می‌کرد که آثار منظوم و

منثوری از وی بر جای مانده است. برادر بزرگش نیز محمود شهابی استاد سرشناس دانشگاه تهران بسود. علی اکبر شهابی از جمله افراد معدود روزگار ما بود که به پیروی از سنت زمان نخست به تحصیلات طلبگی روی آورده بود و دوره های مقدماتی و سطح را در مدارس قدیمی مشهد و اصفهان گذرانیده و از محضر استادانی چون مرحوم ادیب نیشابوری و مرحوم شیخ محمد حکیم خراسانی بهره مند گردیده بود، و سپس با رواج آموزش و پرورش جدید در ایران، به کسب معلومات در این مکتب پرداخت و مراحل مختلف تحصیل را از دبیرستان بیعد در نظام جدید آموزشی طی کرد. بیست ساله بود که دوره اول دبیرستان را گذرانید، در ۱۳۰۹ برای ادامه تحصیل در دوره دوم متوسطه به دبیرستان دارالفنون تهران آمد، به تنها دبیرستان شش کلاسه ای که در آن زمان در تمام ایران وجود داشت، و سپس تحصیل خود را در دانشکده های ادبیات و علوم معقول و منقول دانشگاه تهران پایان رسانید و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی از این دانشگاه نائل آمد. وی از سال ۱۳۱۴ کار معلمی را در خراسان آغاز کرد و قریب پنجاه سال با عنوانهای دبیری و سپس استادی در دبیرستانها و دانشسرای عالی و دانشکده های ادبیات و الهیات و حقوق دانشگاه تهران و دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی به تدریس پرداخت با آن که ضمن تدریس چند بار نیز به کارهای اداری نظیر مدیریت کل اوقاف، رایزنی فرهنگی ایران در افغانستان و ریاست دانشکده الهیات در دانشگاه فردوسی سرگرم بود، ولی چون ذاتاً معلم آفریده شده بود و تدریس کار محبوب او بود، معلمی را هرگزرها نمی ساخت.

شهابی مردی بود در درجه اول متدین و پرهیزگار و پایبند به مسائل مذهبی، و آشنا به حقایق اسلام و گریزان از خشکه مقدسی و خرافات. مردی بود متواضع و خلیق و دوستدار اهل علم و دانش و علاقه مند به آموزش و پرورش نوجوانان و جوانان، و چنان که گذشت و چون در دو مکتب قدیم و جدید تعلیم و تربیت در ایران درس خوانده بود به مزایا و نقائص هر یک از این دو سیستم آشنا بود و آنچه در این باب می گفت و می نوشت از روی بصیرت بود. او می کوشید در عمل حتی المقدور مزایای هر دو مکتب را با هم جمع کند، که البته در مواردی امکان پذیر نبود. پس از انقلاب اسلامی در ایران، که دو سه بار بناچار گذارش به کالیفرنیا افتاد، برخی از اهل علم را که می خواستند از محضر وی استفاده کنند با روی گشاده می پذیرفت و ساعتها وقت خود را با وجود بیماری و ضعف بی مضایقه با آنان می گذرانید. در یکی از همین سفرها بود که به خواهش نویسنده این سطور مقاله مستند و مفصل «روش پرورش و آموزش در مکاتب و مدارس قدیمه و هدف از

آن» را برای چاپ در ایران نامه (سال ۲، ش ۲: زمستان ۱۳۶۲، ش ۳: بهار ۱۳۶۳) فرستاد. این مقاله از جمله معدود مقالاتی است که درباره شیوه تحصیل در مدارس قدیمی نوشته شده و در آن بشرح از مکتب‌خانه و تحصیلات مقدماتی پس از آن، و سپس دوره‌های سطح و خارج سخن به میان آمده، کتابهای درسی، نحوه تدریس در هر یک از مراحل، رابطه استاد و شاگرد و موضوعهای مختلف دیگر بر اساس تجربیات شخصی وی در آن مورد بحث قرار گرفته، و چون نویسنده با مدارس جدید نیز آشنایی کافی داشته جای جای به مقایسه دو شیوه تعلیم و تربیت نیز پرداخته است. او نقص بزرگ آموزش و پرورش جدید را در ایران در این می‌داند که کفه «پرورش» در برابر «آموزش» بسیار سبک است و به همین جهت حتی در عنوان مقاله خود پرورش را بر آموزش مقدم داشته است.

از این مرد دانشمند قریب بیست کتاب و رساله و پنجاه مقاله تحقیقی در زمینه‌های ادبی و دینی بچاپ رسیده که اهم آنهاست: «ترجمه ده فصل از کتاب تعبیر الرؤیا» تألیف ابوعلی سینا، تاریخ روابط ادبی ایران و هند، اصول الصرف، اصول النحو، آثار و احوال محمد بن جریر طبری، نظامی شاعر داستان‌سرا، تاریخچه وقف در اسلام، فرهنگ اشتقاقی، سلسله مقالات «شیعه شناسی». بعضی از تألیفات وی مانند ترجمه برخی از آثار ثعالبی نیشابوری هنوز بچاپ نرسیده است. خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.

۰۴۰ج

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی